



۱۳۹۸

فهرست مطالب

مقدمه هفت

فصل اول: دوره اول روزنامه صور اسرافیل

از شماره ۱.....	۱
از شماره ۲.....	۵
از شماره ۳.....	۱۰
از شماره ۵.....	۱۳
از شماره ۶.....	۱۹
از شماره ۷ و ۸.....	۲۷
از شماره ۱۱.....	۳۶
از شماره ۱۲.....	۴۷
از شماره ۱۳.....	۵۲
از شماره ۱۴.....	۵۶
از شماره ۱۵.....	۶۰
از شماره ۱۶.....	۶۶

شش چرند و پرند

۷۰	از شماره ۱۷
۷۳	از شماره ۱۸
۸۰	از شماره ۱۹
۸۷	از شماره ۲۰
۹۹	از شماره ۲۱
۱۰۵	از شماره ۲۲
۱۱۲	از شماره ۲۳
۱۱۸	از شماره ۲۴
۱۲۴	از شماره ۲۵
۱۳۰	از شماره ۲۶
۱۳۶	از شماره ۲۷
۱۴۶	از شماره ۲۹
۱۵۲	از شماره ۳۰
۱۵۸	از شماره ۳۱
۱۶۲	از شماره ۳۲

فصل دوم: دوره دوم چاپ ایوردون

۱۶۷	از شماره ۱
۱۷۳	از شماره ۲
۱۷۸	از شماره ۳

فصل اول: دوره اول روزنامه صور اسرافیل

از شماره ۱

بعد از چندین سال مسافرت هندوستان و دیدن ابدال و اوتاد و مهارت در کیمیا و لیمیا و سیمیا الحمدالله به تجربه بزرگی نایل شدم و آن دوی ترک تریاک است. اگر این دوا را در هر یک از ممالک خارجه کسی کشف می کرد. ناچار صاحب امتیاز می شد. **تعامات** می گرفت. در همه روزنامه ها نامش به بزرگی درج می شد **اما چه کنم که در ایران قدردان نیست!!!**

عادت طبیعت ثانوی است. همین که کسی به کاری عادت کرد **دیگر** به این آسانی ها نمی تواند ترک کند. علاج منحصر به این است که به ترتیب مخصوصی به مرور زمان کم کند تا وقتی که به **کلی** از سرش بیفتد.

حالا من به تمام برادران مسلمان غیور تریاکی خود اعلان

می‌کنم که ترک تریاک ممکن است به اینکه اولاً در امر ترک جازم و مصمم باشند، ثانیاً مثلاً یک نفر که روزی دو مثقال تریاک می‌خورد روزی یک گندم از تریاک کم کرده دو گندم مرفین به جای آن زیاد کند. و کسی که ده مثقال تریاک می‌کشد روزی یک نخود کم کرده دو نخود حشیش اضافه نماید و همین طور مداومت کند تا وقتی که دو مثقال تریاک خوردنی به چهار مثقال مرفین و ده مثقال تریاک کشیدنی به بیست مثقال حشیش برسد. بعد از آن تبدیل خوردن مرفین به آب دزدک مرفین و تبدیل حشیش به خوردن دوغ وحدت بسیار آسان است. برادران غیور تریاکی من در صورتی که خدا کارها را این طور آسان کرده چرا خودتان را از زحمت حرف‌های مفت مردم و تلف کردن این همه مال و وقت نمی‌رهانید.

واقعاً که عقل و دولت قرین یکدیگر است.

برادران غیور تریاکی من البته می‌دانید که انسان عالم صغیر است و شباهت تمام به عالم کبیر دارد. یعنی مثلاً هر چیز که برای انسان دست می‌دهد ممکن است برای حیوان، درخت، سنگ، کبک، در، دیوار، کوه، دریا هم اتفاق بیفتد و هر چیز هم برای این‌ها دست می‌دهد برای انسان هم دست می‌دهد چرا که انسان عالم صغیر است و آن‌ها جزو عالم کبیر. مثلاً این را می‌خواستیم بگویم همین‌طور که ممکن است عادت‌ی را از سر مردم انداخت. همان‌طور هم ممکن است عادت‌ی را از سر سنگ و کلوخ و آجر انداخت چرا که میان عالم صغیر و کبیر مشابهت تمام است، پس چه انسانی باشد که از سنگ و کلوخ هم کم باشد.

مثلاً یک مریضخانه‌ای حاج شیخ هادی مجتهد مرحوم ساخت می‌خواستی هم برای آن معین کرد که همیشه یازده نفر مریض در آنجا باشند. تا حاجی شیخ هادی حیات داشت مریضخانه به یازده

می‌کنم که ترک تریاک ممکن است به اینکه اولاً در امر ترک جازم و مصمم باشند، ثانیاً مثلاً یک نفر که روزی دو مثقال تریاک می‌خورد روزی یک گندم از تریاک کم کرده دو گندم مرفین به جای آن زیاد کند. و کسی که ده مثقال تریاک می‌کشد روزی یک نخود کم کرده دو نخود حشیش اضافه نماید و همین طور مداومت کند تا وقتی که دو مثقال تریاک خوردنی به چهار مثقال مرفین و ده مثقال تریاک کشیدنی به بیست مثقال حشیش برسد. بعد از آن تبدیل خوردن مرفین به آب دزدک مرفین و تبدیل حشیش به خوردن دوغ وحدت بسیار آسان است. برادران غیور تریاکی من در صورتی که خدا کارها را این طور آسان کرده چرا خودتان را از زحمت حرف‌های مفت مردم و تلف کردن این همه مال و وقت نمی‌رهانید.

ترک عادت در صورتی که به این قسم بشود موجب مرض نیست و کار خیلی آسانی است و همیشه بزرگان و متشخصین هم که می‌خواهند عادت زشتی را از سر مردم بیندازند همین‌طور می‌کنند.

مثلاً ببینید واقعاً شاعر خوب گفته است که عقل و دولت قرین یکدیگر است. مثلاً وقتی که بزرگان فکر می‌کنند که مردم فقیرند و استطاعت نان گندم خوردن ندارند و رعیت همه عمرش را باید به زراعت گندم صرف کند و خودش همیشه گرسنه باشد ببینید چه می‌کند.

روز اول سال نان را با گندم خالص می‌پزند. روز دوم در هر خروار یک من تلخه، جو، سیاهدانه، خاک اره، یونجه، شن مثلاً